

بازتاب

نشریه‌ای درباره‌ی شناخت، مغز و رفتار



دوره پنجم (۱۳۹۰) شماره‌های ۱۹ و ۲۰

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محسن ارجمند
سر دبیر: حبیب‌الله قاسم‌زاده
زیر نظر هیئت تحریریه

مسئول اجرایی: الهام اشتاد
طراحی جلد: فاطمه پاشاخانلو
مسئول هنری و صفحه‌آرا: پرستو قدیم‌خانی
مسئول فروش و اشتراک: الهام اشتاد

بها: ۳۵۰۰ تومان

دفتر نشریه و مرکز فروش:

تهران، بلوار کشاورز، بین خیابان

کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲

تلفن: ۰۲۰-۸۸۹۷۷۰۰۲-۸۸۹۷۹۵۴۴

Email: baztabedanesh@yahoo.com

هیئت تحریریه

دکتر محمدرضا باطنی

زبان‌شناس

دانشگاه تهران

دکتر خسرو پارسا

جراح مغز و اعصاب

دکتر بیژن جهانگیری

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر احمد جلیلی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

حسین حسین‌خانی

نویسنده و ناشر

دکتر محمدرضا زرین‌دست

فارماکولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر ونداد شریفی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

غلامحسین صدری افشار

نویسنده و مترجم

دکتر اصلاان ضربایی

روان‌پزشک

دکتر جمال عابدی

روان‌شناس

دانشگاه کالیفرنیا، دیویس

دکتر محمود عبادیان

استاد فلسفه و ادبیات

دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر حسن عشایری

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر رامین مجتبابی

روان‌شناس و روان‌پزشک

دانشگاه جانز هاب‌کینز

دکتر آذرخش مکرری

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر غلامرضا میرسپاسی

روان‌پزشک

دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عبدالرحمن نجل رحیم

نورولوژیست

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر تورج نیسنوری

جراح مغز و اعصاب

دکتر رضا نیلی‌پور

زبان‌شناس

دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

فهرست:

۳ سخن سردبیر	حبیب‌الله قاسم‌زاده
۵ آزمونی برای آگاهی	کریستوف کاج، گیولیوتونونی / ترجمه و تدوین خسرو پارسا
۱۱ شاخص‌های الکتروفیز یولوژیک پردازش زبان در مغز براساس پتانسیل‌های فراخوانده (ERP)	رضا نیلی‌پور، صدرا ساده
۲۲ استاد خوب - استاد بد	بیژن جهانگیری
۲۹ عمیق‌ترین اندیشه‌ها، از بدیهی‌ترین پرسش‌ها برمی‌خیزند	محسن ارجمند
۳۳ ذهن در میان‌سالی	ملی‌سیا لی فیلیز / ترجمه و تدوین اکرم خسته
۴۹ نظریهٔ خویشتن‌شناختی - تجربه‌ای	حسن حمیدپور
۵۲ پرسش و پاسخ	مایکل گازانیکا / ترجمهٔ اکرم خسته
۵۵ معرفی کتاب: پرخاشگری از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی / باربارا کراهه	

سخن سردبیر

یادداشت دل‌سوزانه، عالمانه و الهام‌بخش استاد محترم، دکتر بیژن جهانگیری، درباره «استاد خوب - استاد بد» (در همین شماره مجله)، مرا بر آن داشت که سخن سردبیر این شماره را به موضوع و مسأله «استاد» اختصاص دهم. در این باره، هر قدر سخن گفته شود، باز هم کم است. چرا که قسمت مهمی از پرورش نسل جدید و بخش عظیمی از آرمان‌آفرینی علمی و فکری، بر عهده اساتید است. بنابراین، اگر کوچک‌ترین اشتباه یا خطایی در این مسئولیت اتفاق بیفتد، آسیبی ترمیم‌ناپذیر در پی خواهد داشت.

متفکری، زمانی گفته بود که اگر می‌خواهیم انسان بسازیم، باید محیط و شرایط را انسانی‌بگردانیم. ظاهراً پارادوکسی (تناقض‌نمایی) در این بیان وجود دارد. محیط و شرایط، در صورتی انسانی می‌شوند که انسان‌ها آن محیط و شرایط را بسازند یا بیافرینند. چرا که یک ذهن و شخصیت فرهیخته، می‌تواند فرهیختگی را بپروراند و رشد دهد. شاید بتوانیم این‌طور به این پارادوکس پاسخ دهیم که صرف انسان بودن، نمی‌تواند محیط را انسانی بسازد، بلکه یک برنامه و سازوکاری لازم است که براساس هدف‌مندی‌ها و طرح‌ریزی‌ها، محیط را انسانی گرداند. به این معنا، همه چیز از انسان آغاز می‌شود، البته، در صورتی که برنامه‌ریزی و طرح درست، عملی و سازنده‌ای در کار باشد تا از طریق انسانی شدن شرایط، انسان‌هایی و الا پرورش یابند و مفهوم انسان بودن و انسانیت را اعتلا بخشند. بدین اعتبار، استاد، هم باید خود فرهیخته باشد و هم راه و رسم فرهیختگی را به دانشجو یاد بدهد. تا این دو عامل فراهم نباشند، حتی علم و دانش و فن و فن‌آوری هم، چنان که باید، آموخته نخواهند

شد، چرا که برای آموزش، فضایی لازم است، فضایی که آگاه‌کننده، رشد‌دهنده و مسئولیت‌آفرین باشد و مهم‌تر از همه، فضایی که در آن، حرمت انسان‌ها حفظ شود و احترام به دیگران، جزئی از احترام به خویشتن درآید و احترام به خویشتن، لازمه احترام به دیگران باشد و این میسر نمی‌شود مگر آن که هدف ما از آموزش و پرورش، در کلیه سطوح، فرهیخته‌پروری و آزادمنشی باشد.

آن‌چه امروزه شاهد آنیم، جداسازی و جداپنداری بسیاری از مقوله‌ها و از آن جمله علم و شخصیت، از هم است. علم در خلأ رشد نمی‌کند. علم در روابط انسانی، در پاسخ به سوال‌ها و حل مسائل، خود را نشان می‌دهد. استاد، تنها علم نمی‌آموزد، استاد، منش‌پروری را نیز یاد می‌دهد و یا باید یاد بدهد. آن‌چه در ذهن‌ها باقی می‌ماند و منشأ اثر می‌شود، بیش از همه، رفتار و سلوک اساتید است. حتی محتوای مطالب یا روش تدریس استاد، ممکن است پس از گذشت زمان، کاربُردی نداشته باشد. اما شخصیت او و چه‌گونگی برخورد او با دانشجو و با مسائل مختلف، هم‌چنان اثرگذاری خود را حفظ می‌کند. نگارنده، بارها در این باره سخن گفته است و بار دگر می‌گوید: حتی راه رفتن اساتید می‌تواند برای دانشجو آموزش باشد! و این‌ها همه، به معنای تبعیت بی‌چون و چرای دانشجو از استاد نیست، بلکه آن‌چه مهم است، تداوم رفتارهای ثمربخش و ارزش‌های انسانی از نسلی به نسل دیگر است. گاه، شیوه زیستن اساتید و عمل‌کرد آن‌ها، می‌تواند اطلاعات بس ارزش‌مندی در اختیار دانشجو قرار دهد. استاد نه تنها باید عالم، مطلع و محقق دارای سبک و روش علمی باشد، بلکه باید عاشق و شیفته